

*فروپاشی دین و دولت ساسانی بدست موبدان زرتشتی از توهم تا واقعیت

تقدیم به میهن پرستان

نقدی بر ایران ستیزان

چکیده

جایگاه موبدان زرتشتی و نقش آنان در برپایی شاهنشاهی ساسانیان؛ تثبیت و سقوط آن همواره مورد کاوش بسیاری از پژوهشگران ایرانی و غربی قرار گرفته است. بیش از یک سده تا به امروز این محققان با استناد به منابع مانوی و مسیحی (سربانی و ارمنی) یک سوی با پیش داوری؛ درماندگی؛ به دور از فهم و درک شرایط آن زمانی (ارزش ها و باور ها)؛ با نگرشی این زمانی تعصبات دینی زرتشتیان و عدم آزادی دینی بوسیله آنان به اقلیت های مذهبی مانند مسیحیان و مانویان را دلیل فروپاشی دین و دولت ساسانی دانسته اند. در این پژوهش با آوردن منابع زرتشتی و متون دیگر نشان داده می شود که سختگیری و عدم آزادی دینی موبدان زرتشتی (کرتیر) نه تنها تعصب نبوده بلکه دلیل و ضرورت تاریخی (جبر ساختارگرایی تاریخی) داشته است و باعث از میان رفتن دین و دولت ساسانی نیز نشده و در بزنگاه های تاریخی باعث نیرومندی آن نیز گشته است. همچنین موبدانی چون تنسر و آذرباد مهر اسپندان نه تنها متعصب دینی نبودند بلکه نگرشی میانه رو با پیروی از پیامبر خود زرتشت داشته اند. در این جستار با ارزیابی منابع مانوی و مسیحی در برابر متون دینی زرتشتی و اسلامی نمایان می سازد که اساسا از هم گسیختگی و از میان رفتن دین مزدیسنی در خود ماهیت آموزه های زرتشت پیامبر ایرانی نهفته است و روشن می سازد که تبلیغی نبودن این دین؛ سازمان یافته نبودن؛ پایگاه نداشتن در پشت مرزهای شاهنشاهی ساسانی؛ آزادی و اختیار پیش از اندازه به ادیان جهان شمول تبلیغی و تحمیلی چون مانویت و مسیحیت در مواجهه با خود؛ تکیه پادشاهان ساسانی به مسیحیت و دوری از دین بهی از زمان خسروانوشیروان به بعد تا زمان خسرو پرویز که اوج آن می باشد؛ در نهایت تضاد میان ماهیت دو نهاد دین با سیاست و دولت باعث از هم گسیختگی دین زرتشتی و درپی آن فروپاشی شاهنشاهی ساسانی گشته است.

کلید واژه : دین؛ دولت و سیاست؛ آموزه های زرتشت؛ موبدان زرتشتی؛ مانویان؛ مسیحیان

*. نویسنده: میلاد میرچناری، دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه تربیت مدرس تهران

miladmitchenari1400@gmail.com

